

مجله مطالعات ایرانی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۱

نام های خاص در ترجمه سنسکریت دادستان مینوی خرد*

دکتر احسان چنگیزی
فارغ التحصیل دوره دکتری فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران
مدرس دانشگاه

چکیده

دادستان مینوی خرد متنی به زبان فارسی میانه، مشتمل بر ۶۳ فصل و در شمار اندرزنامه هاست. در قرن ۱۴ میلادی «نریوسنگ» آن را به زبان سنسکریت ترجمه کرده است. ترجمه نریوسنگ ترجمه ای لفظ به لفظ است و بدون مطالعه متن فارسی میانه قابل درک نیست و زبان آن ویژگی هایی دارد که آن را از سنسکریت کلاسیک متمایز و به زبان های ایرانی نزدیک می سازد. مینوی خرد سرشار از نام ایزدان و شخصیت های اساطیری است. مترجم این نام ها را به شیوه های مختلفی ترجمه کرده که در این مقاله بررسی می شوند.

واژگان کلیدی

سنسکریت، فارسی میانه، واج نویسی، قیاس.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۱/۴/۱۷
نشانی پست الکترونیک نویسنده: changizi59@hotmail.com

۱- مقدمه

دادستان مینوی خرد (DAdestAn I mEnOg I xrad) از جمله متون فارسی میانه است که مشتمل بر پند و اندرز و نیز مطالب اساطیری و داستان‌های قدیم ایرانی است. این مطالب در قالب یک مقدمه و ۶۲ پرسش بیان شده که مجموعاً ۶۳ فصل را تشکیل می‌دهد. نشر کتاب ساده و روان، و جملات کوتاه و روشن است و احتمالاً در اواخر دوران ساسانی تدوین شده است (تفضلی، ۱۳۷: ۱۹۶-۱۹۸).

نریوسنگ (NeryOsang) از موبدان زردشتی هند در نیمه اول قرن چهاردهم میلادی (۱۹: ۱۹۱۲: Modi, xix: ۱۸۸۷, Jāmāsp-Āsānā and West), این کتاب را به پازند تحریر و به سنسکریت ترجمه کرده است. ترجمه سنسکریت نریوسنگ، گونه‌ای متأخر از زبان سنسکریت است که تحت تأثیر زبان‌های ایرانی بوده و «سنسکریت پارسی» نامیده می‌شود (Degener, ۱۹۹۱: ۴۹).

هدف نریوسنگ انتقال معانی متن فارسی میانه به معتقدان کیش زردشتی است که در محیط هند، درک زبان فارسی میانه برایشان دشوار و شاید غیرممکن بوده است. مترجم به متن فارسی میانه بسیار وفادار بوده و حتی از نظم و ترتیب کلمات آن پیروی کرده است. به همین سبب، برای مطالعه ترجمه سنسکریت توجه به معنا و مفهوم متن فارسی میانه و درک مسایل دستوری آن لازم است و بدون آن متن سنسکریت در بسیاری از موارد قابل درک نیست.

متن فارسی میانه، پازند و سنسکریت مینوی خرد را انکلساریا تصحیح و مدی چاپ کرده و بر آن مقدمه‌ای نوشته است (Anklesaria, ۱۹۱۳). روایت سنسکریت آن را نیز بهروچه (Bharucha, ۱۹۱۲) منتشر ساخته است. وست (West, ۱۸۷۱) متن پازند و سنسکریت این متن را واج‌نویسی کرده و تنها روایت پازند را به انگلیسی ترجمه نموده و در پایان برای متن پازند، واژه‌نامه‌ای تهیه کرده و در برابر هر واژه معادل سنسکریت آن را آورده است.

از برخی متون اوستایی و فارسی میانه ترجمه سنسکریت در دست است. تاکنون اشپیگل (۱۸۶۱, Spiegel)، اونوالا (۱۹۲۴, Unvala)، طرف (۱۹۸۱, Taraf) و دهقان (۱۹۸۲, Dehghan) روایت سنسکریت متون فارسی میانه و اوستایی را ترجمه کرده‌اند. هومباخ (۲۰۰۳, Humbach) نیز در مقاله‌ای درباره ترجمه‌های سنسکریت متون اوستایی سخن گفته است. دگنر (۱۹۹۱, Degener) برخی شیوه‌های ترجمه سنسکریت شکند گمانیگ وزار را بررسی کرده و راشد محصل (۱۳۷۷) نیز در مقاله‌ای متن اوستایی، زند و سنسکریت نخستین بند یسن ۲۸ را واژه به واژه تحلیل و درباره شیوه کار نریوسنگ به کوتاهی بحث کرده است. رضایی باغبیدی (Rezai Baghbidi, ۲۰۰۸) روایت سنسکریت فصل سیزدهم شکند گمانیگ وزار را به انگلیسی ترجمه و برخی شیوه‌های ترجمه نریوسنگ را بررسی کرده است. نگارنده این سطور نیز در مقاله‌ای شیوه ترجمه فعل ماضی متعدی و ساخت ارگتیو را در ترجمه سنسکریت دادستان مینوی خرد تحلیل کرده است (رک. فهرست منابع).

مترجم متن سنسکریت مینوی خرد برای ترجمه هر یک از مقولات صرفی، نحوی و معنایی روش‌های گوناگونی در پیش گرفته است. یکی از نکات جالب توجه در ترجمه سنسکریت مینوی خرد، شیوه ترجمه نام‌های خاص است. متن فارسی میانه مینوی خرد سرشار از نام ایزدان، سرزمین‌ها، شخصیت‌های اساطیری و گاه نام‌هایی است که در فرهنگ زردشتی بار معنایی خاصی دارد. مترجم برای ترجمه این نام‌ها، شیوه‌های مختلفی در پیش گرفته که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است. بررسی شیوه ترجمه نام‌های خاص فارسی میانه به سنسکریت برای محققان زبان‌های ایرانی حایز اهمیت است و افزون بر آن، معلوم می‌گردد که زردشتیان آن دوره تا چه اندازه نام‌های خاص متون دینی خویش را می‌شناختند؛ زردشتیانی که از سرزمین خود و محیط اصلی‌ای که دین زردشتی در آنجا پرورده شد، دور افتاده بودند.

در این مقاله، هر یک از اسامی خاص در جدولی آمده: ستون اول گونه فارسی میانه، ستون دوم برابر فارسی اسم، ستون سوم گونه بازند اسم و ستون چهارم برابر آن اسم در زبان سنسکریت است. در داخل پرانتز، شماره سمت راست، شماره یرسش و شماره سمت چپ شماره بند است.

۲- بحث

۱- بسیاری از نام های خاص در ترجمه سنسکریت واج نویسی شده اند. مترجم برای واج نویسی نام ها، گونه پازند نام را ملاک قرار داده و بر اساس آن، نام را به سنسکریت واج نویسی کرده است و در بسیاری از موارد به پایان آن ها a- افزوده و در جمله نیز بر اساس اسامی مختوم به a- صرف شده اند:

āharmmana	<i>āharman</i>	اھرممن	<i>ahreman</i>
-----------	----------------	--------	----------------

29/28 24 23 19 10 13 10 6/V 23 22/9 8/2 180 19 19/1)
 9/33 9/24 96 33 10/26 8/23 39 10/14 6/12 12 2/11 10 10 2/9
 2/44 14 10 3/42 11 2 9/41 26 12/39 99 31 20/38 10/37 10/39
 (3/62 30 29 24 24 22 10 14 9/56 9/55 10 10 10/51 9 2/45 8

در متون متأخر سنسکریت، گاه همخوان بعد از Γ مشدد شده است؛ واژه āharmmana- و چند واژه دیگر در این مقاله از این دسته‌اند.

baevarāspa	<i>baevarās</i>	بيوراسب،	<i>bēwaras</i>
-	<i>p</i>	ضحاک	<i>p</i>

(३१, ३५, ३४/२६ : २९/७)

rašna-	<i>rašn</i>	راشن (راشد)	<i>rašn</i>
--------	-------------	-------------	-------------

(163, 119, 118/1)

guṣṭāspa-	<i>guṣṭāsp</i>	گشتاسب	<i>wiṣṭāsp</i>
		(۲۰/۵۶؛ ۶۸، ۶۷، ۲/۲۶؛ ۱۴/۱۲)	

<i>mihira-</i>	<i>mihir</i>	ایزد مهر؛	<i>mihr</i>
		خورشید	
		(۸، ۴/۵۲؛ ۲۸، ۷/۳۸؛ ۷، ۵/۱۱؛ ۱۵/۷؛ ۱۱۸/۱)	
<i>lahurāspa-</i>	<i>lahurāsp</i>	لهراسب	<i>lohrāsb</i>
	(۶۴/۲۶)		
<i>salma-</i>	<i>salm</i>	سلم	<i>salm</i>
	(۴۲/۲۶)		
<i>satavaeSa-</i>	<i>satavaes</i>	سدویس(نام	<i>sadwēs</i>
	(۱۳/۶۱)	ستاره)	
<i>sīnamrū-</i>	<i>sīna-mrū</i>	سیمرغ	<i>sēn-murw</i>
	(۳۷، ۱۰/۶۱)		

۱-۱- نویسه‌هایی که در تحریر پازند به کار رفته‌اند، دلالت بر آوایی دارند که آن آوا جزء مجموعه واج‌های زبان سنسکریت نیست؛ بنابراین، نام‌ها با ساختمان واجی زبان سنسکریت همسان شده‌اند. گاه همسان‌سازی بر اساس قیاس واجی انجام شده است؛ مترجم واج‌های برابر در اوستا و سنسکریت را الگوی قیاس قرار داده و بنابر آن گونه پازند اسم را واج‌نویسی کرده است. تنها برابر واج‌های اوستا در سنسکریت مورد توجه مترجم است و به ندرت به بافت آوایی مشروط توجه داشته است. در بخش‌های زیر همسان‌سازی واج‌ها و قیاس‌های واجی بررسی شده است.

۱-۱-۱- به جای / در گونه پازند نام‌ها، در واج‌نویسی سنسکریت e آمده:

<i>hušedara-</i>	<i>huš/dar</i>	هوشیدر	<i>hušēdar</i>
	(۹۵/۱)		
<i>hušedaramāh</i>	<i>huš/darmā</i>	هوشیدرماه	<i>hušēdarmā</i>

a-	(۹۵/۱)		<i>h</i>		<i>h</i>
phredūna-		<i>fr/dūn</i>	فریدون	<i>frēdōn</i>	
(۲۷/۷؛ ۳۸/۲۶؛ ۲۱/۵۶؛ قس. ۸-۱-۱)					
۱- ۲- به جای <i>ō</i> در گونه پازند نام‌ها، در واج‌نویسی سنسکریت <i>o</i> و گاه <i>u</i> آمده:					
gopatiśāh-		<i>gōpatiśāh</i>	گوبدشاه	<i>gōbadśāh</i>	
(۳۱، ۴/۶۱)					
candora-		<i>čandōr</i>	پل چینود	<i>činwad</i>	
puhala-	(۱۱۵/۱)	<i>puhal</i>		<i>puhl</i>	
(۱۶۲)					
srośa-		<i>srōš</i>	سروش	<i>srōš</i>	
(۵، ۲۵/۶۱؛ ۳۵/۴۳؛ ۱۴۳، ۱۲۴، ۱۱۸، ۱۱۵/۱)					
saośiosa-		<i>saošyōs</i>	سوشیانت	<i>sōšans</i>	
(۹۵/۱؛ قس. ۱-۱-۱؛ ۳-۲-۱)					
گاه به جای <i>ō</i> در گونه پازند، در واج‌نویسی سنسکریت <i>u</i> آمده و البته آرایش واج‌ها با ساختمان هجایی زبان سنسکریت سازگار نیست:					
gaiumarda-		<i>gayōmard</i>	گیومرث	<i>gayōmard</i>	
(۱۴، ۲/۲۶)					
gaiumardda-					(قس. ۱۱-۱-۱)
(۲۰/۵۶)					
sauśiusa-		<i>sōšyōs</i>	سوشیانت	<i>sōšāns</i>	
(۳-۲-۱؛ ۱۱-۱-۱؛ قس. ۷/۵۶؛ ۶۳/۲۶)					

۱- ۳- به جای *q* در گونه پازند نام، در واج‌نویسی سنسکریت *ā* نوشته شده است. *ā* اوستا در موقعیت پیش از همخوان‌های غنة *m* و *n* بدل به *q* می‌شود و

برابر ā در زبان سنسکریت است (§۴۵, ۱۸۹۲, Jackson). مترجم از این قاعده آگاه بوده و به قیاس با آن به جای *a*، در واج‌نویسی سنسکریت ā آورده است:

vaharāma-	vaharqm	بهرام (ایزد)	wahrām
(۵/۵۲؛ ۹/۳۵)			

vahirāma-
(۱۱۵/۱)

erānika-	/rqnag	ایرانی	ērānag
			(۱-۱-۱؛ ۲۵/۲۰ قس.)

sāma-	sqm	سام	sām
(۴۹/۲۶)			

۱-۴- به جای *x* در گونه پازند این نام، در واج‌نویسی سنسکریت *kh* آمده؛ *x* اوستایی در موقعیت پیش از واکه برابر با *kh* سنسکریت است و به قیاس با آن، مترجم *x* در گونه پازند نام را *kh* واج‌نویسی کرده است (Jackson, ۱۸۹۲: §۴۵; Kent, ۱۹۵۳: §۱۰۰):

kharamāhī-	xar-māhī	کرماهی (نام ماهی)	kar-māhīg
			(۴-۱؛ ۳۰، ۹/۶۱ قس.)

۱-۵- به جای *xš* در گونه پازند نام، در واج‌نویسی سنسکریت *kṣ* آمده است. خوشه همخوانی *xš* اوستایی برابر با *kṣ* سنسکریت است و به قیاس، *xš* در گونه پازند نام در واج‌نویسی سنسکریت *kṣ* آمده است (Jackson, ۱۸۹۲: §۷۷; Kent, ۱۹۵۳: §۱۰۲):

siāvaksā-	syāvaxš	سیاوش	syāwaxš
			(۱۱-۱-۱؛ ۵۷، ۵۵/۲۶ قس.)

۱-۱-۶ به جای θ در گونه پازند، در واج‌نویسی سنسکریت th آمده است. θ اوستا در بافت آوایی مشروط برابر با t یا th سنسکریت است (Jackson, ۱۹۵۳: §۷۷; Kent, ۱۸۹۲: §۷۶):

$thoja-$	$\theta\ddot{o}\check{z}$	تور	$t\ddot{o}\check{z}$
			(۲-۱-۱ قس. ۴۲/۲۶)
$garothmāna-$	$gar\ddot{o}\theta m\ddot{a}n$	گرودمان	$gar\ddot{o}dm\ddot{a}n$
			(۲-۱-۱ قس. ۱۱/۶)

۱-۱-۷ به جای $\square$ در گونه پازند، در واج‌نویسی سنسکریت d آمده است. $\square$ اوستا در بافت آوایی مشروط برابر با t یا d سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۸۱):

$kai-$	$kai-kav\ddot{a}\square$	کیقاد	$kay kaw\ddot{a}d$
			(۴۵/۲۶) $kav\ddot{a}da-$
			(۱۱-۱-۱ قس. ۴۵/۲۶)

۱-۱-۸ به جای f در گونه پازند اسامی، در واج‌نویسی اسم به سنسکریت p یا ph آمده است. f اوستا در بافت آوایی مشروط برابر با p یا ph سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۷۷; Kent, ۱۹۵۳: §۷۵):

$tahm\ddot{u}rapha-$	$tahmuraf$	تهمورث	$tahm\ddot{o}rub$
			(۲۱/۲۶)
$phred\ddot{u}na-$	$fr/d\ddot{u}n$	فریدون	$fr\ddot{e}d\ddot{o}n$
			(۲۷/۷؛ ۳۸/۲۶؛ ۲۱/۵۶ قس. ۱-۱-۱)
$phreji\check{s}ta-$	$fr/hzi\check{s}t$	فرزیش (دیو)	$fraz\ddot{e}\check{s}t$
			(۱۱۵/۱ قس. ۱-۱-۱)
$gandarppi-$	$gandarf$	گندرو	$gandarw$
			(۵۰/۲۶)

چنانکه در (۱) گفته شد، همخوان بعد از *r* در متون سنسکریت متأخر
مشدد است.

۱-۹- گاه به جای *n* در موقعیت پیش از همخوان، در واج نویسی سنسکریت
(anusvāra) *m̐* آمده است:

damāva m̐ da-	damāvand	دماوند	damāwand
(۲۰/۶۱)			

haptoīra m̐ ga	hapōtirang	هفتورنگ	haftōring
-----------------------	------------	---------	-----------

-

(۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۵/۴۸) (نیز قس. ۱-۱-۲)

haośia m̐ gh	haošyang	هوشنگ	hōšang
a			

(۱۱-۱-۱؛ قس. ۱۹، ۲/۲۶)

vana m̐ ta-	vanant	وند (ستاره)	wanand
(۱۲/۴۸)			

۱-۱۰- به جای *nm* (دو همخوان غنه در کنار هم) در گونه پازند نام، در
واج نویسی سنسکریت *m̐* آمده است:

camrośa-	čā nm̐ rōš	= چینامروش	čīnām̐rōš
(۴۰، ۱۱/۶۱)		نام مرغ	

۱-۱۱- به جای *y* در گونه پازند نام، در واج نویسی *i̐* آمده؛ *y* اوستا برابر *y*
در زبان سنسکریت است (۹۲: § Jackson, ۱۸۹۲) و در هر دو زبان *y* نیم-
مصوت است (۹۲: § Jackson, ۱۸۹۲; ۵۵: § Whitney, ۱۸۸۹). *y* میانی در
اوستا گاه ارزش آوایی *i̐y* دارد و برابر آن در سنسکریت هم *iy*
است (۹۲، note ۱، § ۶۸/a, Jackson, ۱۸۹۲). مترجم متن سنسکریت در نام
های خاص *y* را، حتی در موقعیت آغازی، *i̐* و گاه *ī* واج نویسی کرده است؛ واژه-
های *yašt* (یشت، دعا) و *yazad* (ایزد) به ترتیب *īašti-* (۶۴/۱) و *iajada-*

-/īajada- (مقدمه/۶۱؛ ۶۴/۱، ۱۳۱، ۱۲۷، ۱۷۲؛ ۹/۱۳؛ ۱۹/۱۴، ۲۴؛ ۶۲/۱۵؛

۴۱، ۳۵/۲۰) واج نویسی شده‌اند. البته قرار گرفتن واج ī در موقعیت میان واکه‌ای یا قبل از واکه، با ساختمان هجایی زبان سنسکریت مطابقت ندارد:

haośiāṁgha-	haošyang	هوشنگ	hōšang
(۱۹، ۲/۲۶)			

gaiumarda-	gayōmard	گیومرث	gayōmard
(۱۴، ۲/۲۶)			

gaiumardda-

(۲۰/۵۶؛ قس. ۱-۱-۲)

siāvakṣa-	syāvaxš	سیاوش	syāwaxš
			(۵۷/۲۶؛ قس. ۱-۱-۵)

phrāsiāka-	frāsyāk	افراسیاب	frāsyāg
			(۲۹/۷؛ ۳۴/۲۶، ۳۵، ۴۴، ۶۰؛ قس. ۱-۱-۸)

saosīosa-	saošyōs	سوشیانت	sōšans
(۹۵/۱)			

sauśīusa-	sōšyōs		
-----------	--------	--	--

(۷/۵۶؛ ۶۳/۲۶)

۱-۱۲-۷ در گونه پازند، در واج نویسی به سنسکریت ū آمده است. ۷ اوستا برابر ۷ سنسکریت است و در هر دو زبان ۷ نیم مصوت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۵۷؛ §۹۳ Whitney, ۱۸۸۹). گاه در موقعیت میانی ۷ اوستا ارزش آوایی uv دارد و برابر آن نیز در سنسکریت uv است (Jackson, ۱۸۹۲: §۶۸/b). در نمونه زیر ۷، ū واج نویسی شده و واکه بین دو واج آغازین حذف گردیده و بعد از r آمده است:

phraūrddiān-	farvardyaṇ	فروردیگان (روزهای	frawardīgān
		پایان سال)	

(۱۳/۵۶؛ قس. ۱-۱-۸؛ ۱۱-۱-۴)

۱-۱۳- به جای z و $\tilde{z}$ در گونه پازند نام ها، در واج نویسی به سنسکریت
 J آمده است. z و $\tilde{z}$ در بافت آوایی مشروط برابری j و h سنسکریت
 است (Jackson, ۱۸۹۲: §۱۶۷, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۶, ۱۷۷, ۱۷۸; Kent, ۱۹۵۳: §۸۶):

$\bar{a}rjj\bar{u}ra-$ (۱۵/۲۶)	$\bar{a}r\tilde{z}\bar{u}r$	ارزور (دیو)	$\bar{a}r\tilde{z}\bar{u}r$
$n\bar{i}j\bar{i}\bar{s}ta-$ (۱۱۵/۱)	$n\bar{i}z\bar{i}\bar{s}t$	نزیشت (دیو)	$n\bar{i}z\bar{e}\bar{s}t$
$v\bar{i}j\bar{a}r\bar{s}a-$ (۱۶۶، ۱۶۴، ۱۱۶/۱)	$w\bar{i}z\bar{a}r\bar{s}$	ویزش (دیو)	$w\bar{i}z\bar{a}r\bar{s}$
$k\bar{a}r\bar{m}d\bar{i}ja-$	$k\bar{a}r\bar{m}d\bar{i}z$	کنگ دژ	$k\bar{a}r\bar{m}d\bar{i}z$

(۴-۱؛ ۹-۱-۱ قس. ۲/۶۱؛ ۶۲، ۵۸/۲۶).

۱-۱۴- به جای x^v در گونه پازند نام ها، در واج نویسی سنسکریت $\$u$
 آمده و البته آرایش واج ها با ساختمان هجایی زبان سنسکریت سازگار
 نیست. افزون بر آن واج x^v در اوستا برابر با sv در سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۱۳۰) و مترجم برای واج نویسی x^v بر اساس قیاس عمل نکرده است:

$\$u\bar{a}etudatha-$	$x^va\bar{e}rv\bar{o}da\theta$	خویدوده	$xw\bar{e}d\bar{o}dah$
-----------------------	--------------------------------	---------	------------------------

(۱۴/۳)

$\$u\bar{a}etudatha$

-

(۶-۱-۱؛ ۲-۱-۱ قس. ۱۲/۳۶، ۷/۳۵)

$padasa\$u\bar{a}rgar$	$pada\bar{s}x^v\bar{a}rg$	پدشخوار	$padi\bar{s}xw\bar{a}rga$
$a-$ (۴۴/۲۶)	ar	گر (طبرستان)	r

در واج نویسی گونه پازند $pada\bar{s}x^v\bar{a}rgar$ در میان نام هجای sa افزوده
 شده است.

kai-	kai-	کیخسرو	kay-
ṣuśrava-	x ^v asraw		husraw

(۷/۵۶؛ قس. ۲-۱-۲)

xu در گونه پازند همین نام *Su* واج‌نویسی شده: *kai-xusraw* در بند
(۹۵/۱؛ ۵۸/۲۶، ۵۹) *kai-ṣuśrava-* واج‌نویسی شده است.

۲-۱- گاه یک نویسه در گونه پازند، در واج‌نویسی سنسکریت به صورت دو
واج مختلف آمده است:

۱-۲-۱- *č* در گونه پازند اسامی همیشه *c* واج‌نویسی شده و در نمونه زیر
ch گفتنی است *č* اوستا برابر با *c* و *k* سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: § ۶۷):

manoṣchihar	manōščīha	منوچهر	manuščih
a-		r	r

(۴۱/۲۶؛ قس. ۲-۱-۱)

۲-۲-۱- *s* همیشه به صورت *s* واج‌نویسی شده؛ اما در دو نمونه زیر *ś* (کامی)
واج‌نویسی شده است. *s* اوستا در بافت آوی می مشروط برابر با *s* یا *ś* (کامی)
سنسکریت است (Id: § ۱۰۸, ۱۴۶):

kahośa-	kahos	کاووس	kayōs
؛۵۴/۲۶	؛۲۷/۷)		

(۲۱/۵۶)

śruvara-	sruvar	شاخدار	srūwar
(۵۰/۲۶)			

srūwar به معنای «شاخدار» است و *mār ī srūwar* (= مار شاخدار)
اژدهایی است که به دست گرشاسپ کشته شد. مترجم متن سنسکریت *srūwar*
را نام خاص پنداشته و آن را واج‌نویسی کرده است.

s در گونه پازند این نام، یک بار به صورت S و یک بار به صورت Š (کامی) واج نویسی شده است:

kai-	kai-	کیخسرو	kay-
ṣusrava-	xusraw		husraw

(۹۵/۱)؛ ۵۸/۲۶،

(۵۹)

kai-	kai-	کیخسرو	kay-
ṣuśrava-	x ^v asraw		husraw

(۷/۵۶؛ قس. ۱۱-۱-۱؛ ۱۴-۱-۱)

۳-۲-۱- در گونه پازند نام ها، در واج نویسی سنسکریت به هر دو صورت Š (کامی) و S (برگشته) آمده است. دآوستا در بافت آوایی مشروط برابر با Š (کامی) و S (برگشته) سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: § ۱۵۵, ۱۵۹):

raśna-	rašn	ایزد رشن	rašn
--------	------	----------	------

(۱۱۸/۱، ۱۱۹، ۱۶۳)

saośiosa-	saošyōs	سوشیانت	sōšans
-----------	---------	---------	--------

(۹۵/۱)

sauśiusa-	sōšyōs
-----------	--------

(۷/۵۶؛ ۶۳/۲۶)

(قس. ۱۱-۱-۱؛ ۲-۱-۱)

haośiaṁgha-	haošyang	هوشنگ	hōšang
-------------	----------	-------	--------

(قس. ۱۱-۱-۱؛ ۲-۱-۱)

(۱۱-۱-۱)

nījišta-	nīzišt	نزیشت (دیو)	nizēšt
----------	--------	-------------	--------

(۱۱۵/۱؛ قس. ۱۳-۱-۱)

vijarša-	wīzarš	ویزرش (دیو)	wizarš
----------	--------	-------------	--------

(۱۳-۱-۱؛ قس. ۱۶۶، ۱۶۴، ۱۱۶/۱)

نکته قابل توجه آن است که *št* اوستا برابر *ṣt* سنسکریت است و مترجم در واج‌نویسی نام‌ها به قیاس، *št* را در گونه پازند نام‌ها اغلب *ṣt* واج‌نویسی کرده است (Jackson, ۱۸۹۲: §۱۵۹; Kent, ۱۹۵۳: §۹۳):

<i>guṣtāspa-</i>	<i>guštāsp</i>	گشتاسپ	<i>wištāsp</i>
		(۲۰/۵۶؛ ۶۸، ۶۷، ۲/۲۶؛ ۱۴/۱۲)	
<i>phrejiṣta-</i>	<i>fr/hzišt</i>	فرزیشث (دیو)	<i>frazēšt</i>
	(۱۱۵/۱)		

(قس. ۱-۱؛ ۱۳-۱-۱)

<i>vourubarṣti-</i>	<i>vōurubaršt</i>	وروبرشث	<i>wōrūbaršt</i>
	(۱۰/۱۵)	(کشور)	
<i>vourujarṣti-</i>	<i>vōuruzaršt</i>	وروجرشث	<i>wōrūjaršt</i>
	(۱۰/۱۵)	(کشور)	

(۱۳-۱-۱؛ ۲-۱-۱)

۱-۳-۲-۱- گاه *š* هم به صورت *s* و هم *š* واج‌نویسی شده است:

<i>āšmoī-</i>	<i>āšmōī</i>	آشموخی، بددینی	<i>ahlomōyīh</i>
	(۷/۵۸؛ ۸/۴۴)		
<i>āsmoī-</i>			
	(۱۸/۳۵)		

۱-۳- بعضی نام‌ها با پسوند *-ān* نسبت ساخته شده‌اند، بعد از واج‌نویسی نام و همسان‌سازی واجی، پسوند *-ān* به صورت اسم یا صفتی ترجمه شده و جزء دوم ترکیب قرار گرفته تا با نام اصلی، مفهوم کاملتری از آن برآید:

<i>marakoša</i>	<i>malakosa</i>	ملکوسان	<i>malkōsān</i>
<i>-rākṣasīya-</i>	<i>n</i>		

(قس. ۲۸/۲۶؛ ۲-۲-۱)

در واج‌نویسی *malkosān* به جای *l* در گونه پازند، در واج‌نویسی *r* آمده است. پسوند *-ān* به صورت واژه *-rākṣasīya* ترجمه شده، واژه اخیر با پسوند *-īya* (Whitney, ۱۸۸۹: §۱۲۱۵) از *-rākṣasa* ساخته شده که اسم مذکر به معنی «موجود شر/پلید» است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۸۷۱/۳)؛ واژه *-rākṣasīya* به معنی «شیطانی، پلید» است و ترکیب *-marakośa* *-rākṣasīya* به معنی «ملکوس پلید/اهریمنی» است. گفتنی است یکی از ویژگی‌های ترجمه سنسکریت، واژه‌سازی از طریق وندافزایی است؛ مترجم با افزودن پسوند، واژه‌ای ساخته که در سنسکریت کلاسیک چنین واژه‌ای به کار نرفته و در فرهنگ‌های موجود زبان سنسکریت نیز نیامده است.

spitāmān سپتمان *spitamān* *spitama-*
(۱۵/۱۲) *putra-*

spitāmān نام خانوادگی زردشت است؛ پسوند *-ān* به صورت اسم مذکر *putra-* به معنی «فرزند» ترجمه شده (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۶۳۲/۳) و ترکیب *spitama-putra-* به معنی «فرزند سپیتمه» است.

۴-۱ به برخی نام‌ها بعد از واج‌نویسی، واژه‌ای افزوده شده تا مفهوم نام یا کلام در ذهن خواننده روشن‌تر شود:

abestāg اوستا *awestā* *avistā-vāc-*
(مقدمه/۲۷؛ ۱۵/۱۵)

vāc- اسم مؤنث است به معنی «سخن، کلام» (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۹۳۶/۱) و ترکیب *-avistā-vāc* به معنی «کلام اوستا، سخن اوستا» است. مترجم در عبارت زیر (مقدمه/۲۷)، با کاربرد واژه *-vāc* در جزء دوم ترکیب *-avistā-vāc* (در حالت ازی جمع)، مجاز موجود در عبارت را از بین برده است:

az abestāg paydāg

از اوستا پیدا[ست]...

avistāvāgbhyaḥ prakāṭam

از کلام‌های اوستا پیدا [ست]...

<i>padasaṣuāraga</i>	<i>padaṣṣ'ārg</i>	پدشخوار	<i>padiṣxwār</i>
ra-deśa-	<i>ar</i>	گر (طبرستان)	<i>gar</i>

(۴۴/۲۶؛ قس. ۱-۱-۱۴)

deśa- اسم مذکر است به معنی «ناحیه، بخش» (Monier-Williams, ۴۹۶/۲: ۱۸۹۹) و ترکیب *padasaṣuāragara-deśa-* به معنی «ناحیه پدشخوار گر» است.

<i>mājamdara-</i>	<i>māzandar</i>	مازندر	<i>māzandar</i>
deśīya-		(گروهی از دیوان)	

دیوان

(۴۰/۲۶؛ قس. ۱-۱-۱۳)

deśīya- صفت است به معنی «ساکن، اهل» (Id.: ۴۹۶/۲) و ترکیب *mājamdara-deśīya-* به معنی «ساکن مازندر، اهل مازندر» است. مترجم *māzandar* را، که به معنی «بزرگ» است و به گروهی از دیوان اطلاق می‌شود (Mackenzie, ۱۹۷۱: ۵۵؛ نیز تفضلی، ۱۳۸۰: ۴۵، ۹۶)، نام مکانی پنداشته است.

<i>phraūrddiān-</i>	<i>farvardyaṇ</i>	فروردیگان (پنج روز پایان سال)	<i>frawardīgā</i>
samaya-			<i>n</i>

(۲/۵۶؛ قس. ۱-۱-۸؛ ۱-۱-۱۱؛ ۱-۱-۱۲)

samaya- اسم مذکر است به معنی «زمان، هنگام» (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۱۱۶۴/۱) و ترکیب *phraūrddiān-samaya-* به معنی «زمان فروردیگان» است.

<i>satavaesa-</i>	<i>satavaes</i>	سدویس	<i>sadwēs</i>
-------------------	-----------------	-------	---------------

(ستاره) tāra-ka- (۱۳/۶۱)

tāra-ka- اسم خنثی است، به معنی «ستاره» (Id.: ۴۴۴/۱) و ترکیب satavaesa-tāra-ka- به معنی «ستاره سدویس» است.

kamak- kamag کَمَک (نام) kamak
nāman- مرغی

(۵۰/۲۶)

nāman- اسم خنثی به معنی «نام» است (Id.: ۵۳۶/۲) و kamak- nāman- به معنی «کَمَک نام / به نام کَمَک» است.

kar- karmāhī- (کرماهی) نام xar- mātī- māhīg
matsya- māhīg (ماهی)
(۹/۶۱، ۳۰؛ قس. ۱-۱-۴)

matsya- اسم مذکر به معنی «ماهی» است (Id., ۱۸۹۹، ۷۷۶/۳) و kharamāhī-matsya- به معنی «ماهی کرماهی» است.

karndija- kandiz کنگ دژ kangdiz
prāsāda-

(۵۸/۲۶، ۶۲؛ قس. ۱-۱-۹؛ ۱-۱-۱۳)

karndija- اسم مذکر است به معنی «کاخ، تالار، صحن» (Id.: ۷۰۹/۳) و prāsāda- به معنی «کاخ کنگ» است.

۵-۱ بعضی نام ها را با توجه به گونه اوستایی آن ها واج نویسی می کند. در جدول زیر، ستون اول گونه فارسی میانه نام، ستون دوم برابر فارسی، ستون سوم گونه پازند، ستون چهارم گونه اوستایی و ستون پنجم برابر سنسکریت آن است:

widadafš- ویــددفش vīdadafš- vīdaḍafšu- vidadapsu-
(۱۰/۱۵) (کشور جنوب)

(غربی)

fradadafš- فرددفش (کشور) fradadafš- fradaḍafšu- phradadapsu-

(۱۰/۱۵)

(جنوب شرقی)

در واج‌نویسی سنسکریت این دو اسم، گونهٔ اوستایی آن‌ها مورد توجه بوده است. خوشهٔ همخوانی $f\check{s}$ اوستا برابر با ps سنسکریت است (Jackson, ۱۸۹۲: §۱۴۴) و مترجم به این نکته توجه داشته است. اما f در موقعیت پیش از همخوان برابر با p سنسکریت است (Id.: §۷۷/۲).

jarathuśtr	zaraθuśtr	zaraθ	زردشت	zardu(x)
a-	a-	uśt		št

(مقدمه/۱۰؛ ۱۵/۱۲؛ ۲۰/۵۶؛ ۲۴، ۲۶)

در این نام به جای $t\check{s}$ و z در گونهٔ پازند نام، در واج‌نویسی سنسکریت به ترتیب $št$ و j آمده است (قس. ۱-۳؛ ۱-۱۳).

ahuramajd	ahura-	hōrməzd	اهرمزد	ohrməzd
a-	mazdāh-			

(مقدمه/۴۹؛ ۵۱؛ ۸۹/۱؛ ۱۵۰، ۱۸۵؛ ۲۴/۶؛ ۶/۱۱، ۱۱؛ ۷۵/۲۶؛ ۳۰/۵۶)

در واج‌نویسی سنسکریت این نام، به جای z ، j آمده است (قس. ۱-۱۳).
۲- در برابر برخی از نام‌های خاص در ترجمهٔ سنسکریت، نام‌های آن در اساطیر هندی آمده؛ در اینجا ستون اول گونهٔ فارسی میانه، ستون دوم برابر فارسی نام، ستون سوم گونهٔ پازند و ستون چهارم برابر سنسکریت آن است:

meru-	arburz	البرز	harborz
-------	--------	-------	---------

(۲۰/۴۸)

(۷/۵۵) alburz

(۱۳/۵۶؛ ۱۲/۴۸)

meru- نام کوهی در اساطیر هندی است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۸۳۳/۲).

jam̐budvīpa-	x ^v aniras	خونیرث	xwaniras
--------------	-----------------------	--------	----------

(۳۱/۶۱؛ ۴۰/۲۷)

jaṁbudvīpa- نام اقلیم مرکزی در میان هفت اقلیمی است که کوه meru- را فرا گرفته‌اند (Id.: ۴۱۲/۲).

kṣira-	zrəh	i	دریای وَرکش	zrēh	ī
samudra-		varkaš			warkaš

(۲۶/۶۱؛ ۱۵/۴۳)

kṣira-samudra- به معنی «اقیانوس شیر» نام اقیانوسی است در اقلیم śveta-dvīpa- (Id., ۳۳۰/۱).

yamašeda-	ḡim	جَم	ḡam
-----------	-----	-----	-----

(۲۱/۵۶؛ ۲۷/۷) جمشید

yama- نام شاه جهان مردگان و نخستین انسان در اساطیر هندی است (Id.: ۸۴۶/۱). در اوستا این نام به صورت yima- (۱۳۰۰: ۱۹۶۱: Bartholomae) همراه با صفت xšaēta- «درخشان» (۵۴۱: ۱۹۶۱: Id.) آمده است. این نام در متون فارسی میانه از جمله مینوی خرد گاه به صورت ḡam (پازند: ḡim) و گاه در ترکیب با صفتش، xšaēta- به صورت ḡamšēd (پازند: ḡamšī □) آمده است. مترجم متن سنسکریت در ۲۷/۷ و ۲۱/۵۶ برای ترجمه ḡam (پازند: ḡim)، yamašeda- آورده؛ yama- همتای ḡam در اساطیر هندی است و -šeda- واج نویسی -šēd- به سنسکریت است (← ۳: ḡamšēd).

۳- برخی اسامی خاص به سنسکریت ترجمه شده است:

kāla-	zurvaṇ	زروان	zurwān
-------	--------	-------	--------

(۱۵/۷) (ایزد زمان)

samaya- (۱۰/۲۶؛ ۸، ۹/۷)

Id:) samaya- و (Monier-Williams: ۱۸۹۹, p. ۲۷۸/۱) kāla- هر دو به معنی «زمان» هستند. (۱۱۶۴/۱)

jala-	avərdā □	خرداد	hordād
-------	----------	-------	--------

mūrti-

jala-

mūrtti-

(۳۴/۱)

(۵۶/۱۵)

jala- اسم خنثی به معنی «آب» است (Id.: ۴۱۴/۲) و mūrti- اسم مؤنث به معنی «شکل، ظاهر» (Id.: ۸۲۴/۲)؛ ترکیب jala-mūrti- به معنی «آب شکل، دارای ظاهر همچون آب» است. چون *hordād* ایزد موکل بر آب است، مترجم متن سنسکریت نام این امشاسپند را چنین ترجمه کرده است.

nidrādhikya būšyāsp بوشاسپ (دیو) bušāsp

-

(خواب)

(۲۹/۱)

nidrā- اسم مؤنث است به معنی «خواب» (Id.: ۵۴۸/۲) و adhikya- اسم است به معنی «فراوانی» که از صفت adhika- به معنی «بسیار، فراوان» (Id.: ۲۰/۲) و پسوند -ya- (۱۲۱۳: ۱۸۸۹: Whitney) ساخته شده؛ nidrādhikya- به معنی «بسیار خوابی، فراوانی خواب» است.

prāk- p□š- پیشداد pēšdād

sṛṣṭa- dā□

pēšdād گونه فارسی میانه واژه اوستایی *para-δāta-* است و در اوستا لقبی برای هوشنگ است (Bartholomae, ۱۹۶۱: ۸۵۴). این واژه را «نخستین آفریده» و «نخستین قانونگذار» یا «نخستین دادگستر» تعبیر کرده‌اند (رک. بهار، ۱۳۷۸: ۱۸۹-۱۹۰؛ کریستن سن، ۱۳۷۷: ۱۶۷-۱۶۸؛ ۴۲۰: Yarshater, ۲۰۰۶). در متون فارسی میانه *pēšdād* لقبی برای گروهی از شاهان اساطیری از جمله هوشنگ است. مترجم متن سنسکریت این نام را *prāk-sṛṣṭa-* به معنی «نخستین

آفریده» ترجمه کرده است؛ *prāk-* گونه ترکیبی *prāñc-* صفت به معنی «پیشین، قبلی» است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۷۰۳/۳) و *sr̥ṣta-* صفت است به معنی «زاده، آفریده» (Id.: ۱۲۴۵/۳).

<i>trirātra-</i>	<i>sədōš</i>	ســـــدوش	<i>stōš</i>
(۷/۶۲)		(چهارمین روز	
<i>trirātrīya-</i>		پس از مرگ)	
(۱۰/۲۰)			

trirātra- اسم خنثی است به معنی «سه شبانروز» (Monier-Williams, ۱۸۹۹, ۴۶۰/۱) و *trirātrīya-* صفت است به معنی «سه شبانروزی» از *trirātra-* با پسوند صفت ساز *-īya-* (Whitney, ۱۸۸۹: §۱۲۱۵).

<i>svāmin-</i>	<i>hōrməzd</i>	اهرمزد	<i>ohrməzd</i>
<i>mahājñānin-</i>			

(م/۱، ۵؛ ۱۱/۶؛ ۲/۷، ۸، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰؛ ۲/۹، ۶، ۹؛ ۵/۱۱، ۷، ۸؛ ۹/۱۲، ۱۵؛ ۱۴/۱۴؛ ۲۹/۲۰؛ ۱۳/۲۶).

مترجم این نام را بر اساس گونه اوستایی آن، *ahura- mazdāh-* ترجمه کرده است. *svāmin-* اسم مذکر به معنی «سرور» است (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۱۲۸۴/۱) و *mahājñānin-* صفت به معنی «بسیار دانا» است (Id.: ۷۹۶/۱).

<i>yama-</i>	<i>jamštī</i> □	جمشید	<i>jamšēd</i>
<i>dīptimaya-</i>			

jam و *jamšēd* دو گونه فارسی میانه یک نامند (← ۳). اسم *yima-* در اوستا با صفت *xšaēta-* همراه است و این اسم و صفت در فارسی میانه به صورت *jamšēd* آمده؛ مترجم متن سنسکریت این اسم را به صورت *yama-* *dīptimaya-* (= جم/یم درخشان) ترجمه کرده؛ *yama-* اسم شاهی در اساطیر هندی است (← ۲: *jam*) و *dīptimaya-* به معنی «درخشان» است از *dīpti-*

اسم مؤنث به معنی «روشنی، درخشش» (Monier-Williams, ۱۸۹۹: ۴۸۱/۳) با پسوند صفت ساز -maya- (§۱۲۲۵, Whitney, ۱۸۸۹).

jam-kard جمکرد (نام) *jam-kard* yama-
 k□ta- (دژ)
 (۲۶/۲۷، ۲۹؛ ۳/۶۱، ۱۵)

برای ترجمه *jam* همتای هندی آن yama- ذکر شده (← ۲: *jam*) و جزء دوم k□ta- ترجمه شده که صفت مفعولی گذشته است به معنی «ساخته، کرده» (۳۰۱/۳، Monier-Williams, ۱۸۹۹)؛ yama-k□ta- به معنی «یمه/جم ساخته، یمه/جم کرده» است.

۳- نتیجه گیری

پیش از هر چیز باید توجه داشت که هدف نریوسنگ از ترجمه مینوی خرد و دیگر متون فارسی میانه زردشتی، حفظ و رواج آن‌ها در میان معتقدانی بود که در قرن چهاردهم میلادی در هند و به دور از آن جامعه زردشتی می‌زیستند که دین، فرهنگ و سنت آن‌ها در آنجا پرورش یافته بود. بنابراین، هم بعد زمانی و هم بعد مکانی موجب شده بود تا معتقدان با زبان اوستایی و فارسی میانه آشنایی نداشته باشند. شیوه غالب ترجمه نام‌های خاص، یعنی واج‌نویسی آن‌ها به سنسکریت نشان می‌دهد که بسیاری از نام‌های خاص در جامعه زردشتی هند شناخته شده بوده است. نریوسنگ با هر سه زبان اوستا، فارسی میانه و سنسکریت آشنایی داشته و تا حدی می‌دانسته که همتای هر واج زبان اوستا چه واجی در زبان سنسکریت است. او به قیاس با ساختمان واجی واژه‌های معادل در اوستا و سنسکریت سعی کرده گونه پازند را واج‌نویسی کند. اما ذکر صفت یا اسمی بعد از نام خاص، برای روشن‌تر ساختن آن، ذکر همتای هندی یک نام در فرهنگ و اساطیر هندی و ترجمه برخی از نام‌ها نشان از دغدغه نریوسنگ برای آشنایی بیشتر عامه زردشتیان با نام‌های خاص و شیوه بیان زبان فارسی میانه بوده است. او

بر آن بوده تا برخی نام‌ها برای معتقدان و مردمان عادی ملموس‌تر و قابل درک‌تر باشد. نریوسنگ که خود روحانی مذهب زردشتی بوده، به خوبی از نام‌های خاص مذهب خود و معنا و مفهوم آن‌ها آگاه بوده است. او رسالت خود می‌دانسته تا به هر طریق ممکن، نام‌ها و دانش خود را از فرهنگ و اساطیر مذهب خویش در میان هم‌دینانش در محیط هند رواج دهد و به خوبی نیز از عهده این کار برآمده است.

کتابنامه

- ۱) بهار، مهرداد، ۱۳۷۸، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: نشر آگه.
- ۲) تفضلی، احمد (۱۳۴۸)، *واژه‌نامه مینوی خرد*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳) تفضلی، احمد (۱۳۷۷)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- ۴) تفضلی، احمد (۱۳۸۰)، *مینوی خرد*، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم، تهران: نشر توس.
- ۵) چنگیزی، سیف‌اله، «*فعل ماضی متعدی و ساخت ارگاتیو در متن فارسی میانه، سنسکریت و فارسی دادرستان مینوی خرد*»، زبان و ادب فارسی (نشریه دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه تبریز)، (زیر چاپ).
- ۶) راشد محصل، محمد تقی (۱۳۷۷)، «*درباره برگردان سنسکریت اوستا*»، جشن‌نامه استاد ذبیح‌الله صفا، به کوشش سید محمد ترابی، چاپ اول، تهران: نشر شهاب.
- ۷) کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۷، *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: نشر چشمه.
- ۸) Anklesaria, T. D. (۱۹۱۳), *Dânâk-u Mainyô-i Khard*, Bombay.
- ۹) Bartholomae, C. (۱۹۶۱), *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.
- ۱۰) Bharucha, Sh. D. (۱۹۱۲), *Collected Sanskrit Writings of the Parsis*, Part III, Bombay.

- ۱۱) Degener, A. (۱۹۹۱), "Neryosanghs Sanskrit-übersetzung von Škand gumānīg vičār", *Corrolla Iranica* (papers in honour of Prof. Dr. David Neil MacKenzie on the occasion of his ۶۵th birthday on April ۸th, ۱۹۹۱), ed. R. E. Emmerick and D. Weber, Frankfurt am Main/Bern/New York/Paris, Peter Lang, pp. ۴۹-۵۸.
- ۱۲) Dehghan, A. (۱۹۹۱), *Der Avesta-Text Srōš Yašt (Yasna ۵۷) mit Pahlavi-und Sanskritübersetzung*, München.
- ۱۳) Humbach, H. (۲۰۰۳), "Neriyosangh and His Sanskrit Translation of Avesta Texts", *Ātaš-e Dorun, The Fire Within, Jamshid Soroush Soroushiyan Memorial Volume II*, ed. C. G. Cereti and F. Vajifdar, Clifornia, pp. ۱۹۹-۲۱۲.
- ۱۴) Jackson, A.V.W. (۱۸۹۲), *An Avesta Grammar in Comparison with Sanskrit*, Stutgart.
- ۱۵) Kent, R.G. (۱۹۵۳), *Old Persian*, New Haven, Connecticut.
- ۱۶) Mackenzie, D. N. (۱۹۷۱), *A Concise Pahlavi Dictionary*, Oxford.
- ۱۷) Modi, J.J. (۱۹۱۲), "Introduction", *Dânâk-u Mainyô-i Khard*, Bombay, pp. ۱-۲۲.
- ۱۸) Monier-Williams, M., (۱۸۹۹), *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford.
- ۱۹) Rezai Baghbidi, H. (۲۰۰۸), "Linguistic Peculiarities of the Sanskrit Translation of the ۱۳th Chapter of the Škend Gumānīg Wizār", *Essays in Honor of SĀDĪQ KIYĀ*, ed. Askar Bahrami, Mīras-i Maktūb, Tehran, pp. ۱۳۱-۱۶۶.
- ۲۰) Spiegel, F. (۱۸۶۱), *Neriosengh's Sanskrit-Übersetzung des yaçna*, Leipzig.
- ۲۱) Taraf, Z. (۱۹۸۱), *Der Avesta-Text Niyāyiš mit Pahlavi-und Sanskritübersetzung*, München.
- ۲۲) Unvala, J. M. (۱۹۲۴), *Neryosangh's Sanskrit Version of the Hōm Yašt (yasn IX-XI) with the Original Avesta and its Pahlavi Version*, Vienna.
- ۲۳) Whitney, W. D. (۱۸۸۹), *Sanskrit Grammar*, ۲nd ed., London.

۲۴) West, E. W. (۱۸۷۱), *The Book of the Mainyo-i-Khard*, Stuttgart-London.

۲۵) Yarshater, E. (۲۰۰۶), "Iranian Historical Tradition", *The Cambridge History of Iran*, ed. By Ehsan Yarshater, Vol. ۳(I), Cambridge University Press, pp. ۳۴۳-۴۷۷.